

## متن پرسش

رهبر انقلاب: در مدارس نظرسنجی کنید ببینید چند نفر رونالدو را می‌شناسند، چند نفر کاظمی‌آشتیانی را بایستی کاری کنیم که دانش‌آموز دارای هویت ملی بشود. مهمتر از علم‌آموزی یا لااقل در حد علم‌آموزی این است که او احساس هویت بکند، یک انسان با هویت ساخته بشود، یک هویت ملی، هویت احساس اعتماد به نفس ملی پیدا بکند. از عمق جان کودک ما با افتخارات کشور آشنا بشود این چیزی است که امروز وجود ندارد خیلی از افتخارات حالا ایشان اسم مرحوم آقای کاظمی‌آشتیانی را آوردند شما بین بچه‌های مدرسه‌تان، مدارس‌تان نظرخواهی کنید ببینید چند درصد کاظمی‌آشتیانی را با آن همه خدمات، با آن ارزش وجودی که این مرد، این جوان، جوان هم بود داشت می‌شناسند چند درصد، رونالدو را چند درصد می‌شناسند، ما چرا افتخارات ملی خودمان را نمی‌شناسیم؟ این خیلی مهم است یک بخش از این چیزهایی که می‌گوییم هویت ملی همین است که افتخارات ملی را، گذشته‌ی علمی را، گذشته‌ی سیاسی را، گذشته‌ی بین‌المللی را بشناسند. □□ تحلیل سیاسی و جنگ نرم @tahlile\_siasi □□ تحلیل و بررسی تاثیر الگوها و فضای دنیای مدرن بر نسل‌های جدید از زبان‌مقام معظم رهبری. ما هنوز در شناخت مدرنیته مانده ایم در حالیکه مدرنیته در جزئی‌ترین زوایای زندگی ما حضور و بروز دارد؛ در آرایش صورت زنان حتی زنان و دختران باحجاب، در اتاق‌های خواب کودکان، در تلفن‌های همراه و فیلم‌های آخر هفته، در فوتبالیهای شبانه، در اقتصاد مدرن که لحظه لحظه زندگی را با حساب و کتاب و سود انگاری همراه نموده و در معماری خانه‌ها در لباس و رخت و... پس می‌توان نتیجه گرفت که فرهنگ کنونی ایرانی برخلاف حتی دهه‌های ۵۰ و ۶۰ از سه ضلع تشکیل یافته؛ فرهنگ اسلامی، فرهنگ ایرانی فرهنگ مدرن-غربی. بنابراین بایستی اندیشمندان و بخصوص روحانیون گرامی که دارای نفوذ سیاسی و دینی در ارکان جامعه و قدرت سیاسی هستند، و به تعبیر دقیق‌تر اولیای امر، صاحب اختیار، و سرپرست دنیا و آخرت بقیه ما مردم کوچه و بازار هستند و جان و مال و کیفیت زندگی ما مردم عادی، وابسته به تصمیمات آن سروان ارجمند و گرامیان است. باید به شناخت فلسفی- معرفتی مدرنیته و نه شناخت عقیدتی که مبتنی بر مقاومت، انکار و نزاع است، همت گمارند و سعی در جذب همه افراد جامعه اعم از: غرب‌گرا، ملی‌گرا و اسلام‌گرا نمایند. تا جو و اقتصاد کشور به آرامش و سامان برسد و از طرد شهروندان و واگرایی جامعه پرهیز شود. □□□□□□□□ نظر شما استاد گرامی درباره تغییرات اجتماعی انسان جدید چیست؟ آیا می‌توان با دیدگاه و روش دهه ۶۰ و ۷۰ ایران دهه ۹۰ را مدیریت کرد؟ مگر قبول افکار ملی‌گرایانه و مدرن برخی هموطنان و مدیریت این افکار برخلاف مدیریت اسلامی است؟ اگر اسلام نتواند حوادث واقعه و افکار

جدید را مدیریت نماید، دیگر داعیه جهانی داشتن بی وجه است؟ اگر نظام اسلامی و دین اسلام نتواند با تمدن مدرن ترکیب و تزویج شود، چطور می خواهد با نسلی روبرو شود که در فضای مدرن تنفس می کنند؟ نظام اسلامی در دهه ۹۰ همزمان با تظاهرات شدید دنیای مدرن بر ظاهر گرایی شدید دینی مانند مداحی گری و رد صلاحیت شهروندان و تاکید بر ظاهر دینی شهروندان تاکید دارد، ولی این ظاهر گرایی چون فاقد پشتوانه فکری بیشتر تخیلی بوده و چند صباحی از بین می رود؟ بهترین کار منع شهروندان از آب و از وجود نیست، بلکه اجازه اندیشیدن به شهروندان از هر طیف و اجازه به آنها برای حضور در مناصب مدیریتی و اجتماعی است، تا این افراد احساس شخصیت نموده و با دین و نظام هماهنگ شوند.

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم؛ همین طور که می فرمایید فضای جهان مدرن، هر انسانی را از میراث فرهنگی خود منقطع کرده، حتی انسان را از خود انسان بیگانه نموده و آگاهی از این امر، موجب دنبال کردن راهکارهای صحیح می گردد که بحث آن مفصل است. عرایضی با مسئولین تلویزیون کشور تحت عنوان «ارتباط رسانه‌ای با انسان‌های آخرالزمانی» شد که فکر می‌کنم می‌تواند رفقا را در این موارد کمک فکری کند. <https://eitaa.com/matalebevijeh/14725>. موفق باشید.